

خواهند نمود. امیراحتشام اهل و عیال خود را روانه به سمت شاهرود [نموده] مشغول تصفیه قبوضات مالیه می‌باشد. پنج هزار تومان مطالبه حقوق داشته در صورتیکه در بودجه سال‌نوکه از اول برج جوزا باشد حقوق حکومت و کابینه در ماهی چهارصد و شصت تومان تصویب شده است. لهذا حکومت روز نوزدهم به‌عنوان رفتن بیلاق به زیارت خاصه رود می‌رود. کفالت حکومتی را هم به‌یاور احمدخان رئیس عده نظامی واگذار نموده‌اند. تا چه اقتضا کند.

درباب شورش

حاج شیخ حسین و کیل سابق دو روز قبل در مسجد جامع بعد در محلی و در مسجد گلشن می‌رود تجار و کسبه را جمع نموده روزی دومرتبه شخصاً به‌منبر رفته به‌آواز بلند مرده‌باد انگلیس - آی مرده‌باد دولت بریطانیا - آی مرده‌باد طرفداران انگلیس [می‌گویند]. بچه‌های مدرسه را با بیرق سیاه در کوچد و مساجد [برده] مرده‌باد انگلیس و طرفدار انگلیس [می‌گفتند]. عجالتاً که روز عید اضحی می‌باشد از این‌گونه مطالب و عنوان متصرف شده‌اند. بارئیس اوقاف طرفیت دارند. می‌گویند استراپاد اوقاف نمی‌خواهد. مربوط به دولت نیست و ابداً نماینده نمی‌خواهیم و تلگرافاً به‌طهران شاکمی هستند. در مسجد گلشن، بعد از این مذاکراتی بر علیه حاج شیخ حسین دونفر از علما نسبت به مجلس شورا و اشخاصی که و کیل بوده‌اند حرفهای زشت [می‌زنند]، تجدید امر آخوند ملا علی عاجز، فحش عانی و نامربوط به و کلاه و اجزاء مجلس گفتند. ایضاً آقا صادق روضه‌خوان بدتحریرک شیخ اسمعیل قاضی محرک بودند. در بوده حاج شیخ حسین فحش و حرفهای زشت نسبت به و کلاه و مجلس گفتند که آخر الامر مشارالیه بورشده با کمال انفعال از مسجد گلشن به منزل خود رفتند. تا چه اقتضا کند.

نمره ۲۲

۱۴ ماه اگست ۱۹۲۳

درباب قتل

بیست و هفتم جولای پنج نفر تراکمه داز از شهر مراجعت می‌کردند چهار نفر رعیت قلی‌آباد دونفر ترکمان را بدقتل رسانیده اسب و تفنگ آنها را می‌برند. تراکمه داز به شهر آمده به کفیل حکومت عارض می‌شود. چند نفر قزاق رفته دونفر قاتل را به شهر آورده حبس نمودند.

درباب وجه

ایضاً اسکندر خان چهارده هزار تومان وجه از مازندران برای حقوق اداره قشونی

وارد نمودند.

درباب روسها

ایضاً خبر رسید شوخ‌بای جعفربائی که ساکن خوجه‌نفس [است] از ناحیه روسها بیست هزار تفنگ وارد نموده به تراکمه می‌فروشد قبضه‌ای دوازده تومان [کد] در مدت شش سال سالی دو تومان وجه تفنگ را بدهند و اتصالاً بالشویکها مشغول تحریک و اغتشاشات یموت می‌باشند.

درباب حکومت

غره ماه اگست حکومت استرآباد تلگرافاً حرکت خود را از طهران اطلاع می‌دهد. سهم‌الممالک با چند نفر سوار امنیه و قزاق برای استقبال به‌شاه‌رود رفتند.

درباب وارد [کنا]

ایضاً دو عراده توپ از رشت وارد بندر جز [شده]، اسکندر خان سلطان توپهارا به‌اتفاق چهل نفر نظامی وارد به‌اداره قشونی می‌نمایند.

درباب اقدامات

به‌سبب مبدأ حرکات تراکمه و تاخت‌وتاز که وزیر جنگ تصمیم نموده برای سرکوبی تراکمه اقداماتی می‌نمایند. از قرار مذکور یکصد و پنجاه هزار تومان مخارج اردو تخمین کرده که تراکمه را کلیه خلع سلاح ۲۵۲ نمایند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۲۳

۱۸ اگست ۱۹۲۳

درباب قتل

تراکمه اتابائی به‌سبب قتل يك نفر تراکمه که در سه ماه قبل جنب قریه آلوکلایته اتفاق افتاده بود دو نفر رعیت مذکور ششم اگست برای حمل جو به‌صحرا می‌رفتند، کسان مقتول سر راه بسخو نموده مراجعت زیر حد قریه سلطان‌آباد دوفرسخی مشرقی تراکمه دو نفر رعیت را به‌قتل رسانیده دو قبضه تفنگ دوتیره آنها را بردند.

درباب اسیر

شب هشتم ماه اگست تراکمه جعفربائی چهار فرسخی مغربی جنب قریه چهارده يك

نفر رعیت را اسیر کرده بردند.

درباب بلشویکها

روسها آنچه تلاش می‌نمایند استرآبادی و تراکمه را حاضر نمایند که بلوای عمومی [راه‌انداخته] و فرقه بالشویکی را رواج بدهند نایل نمی‌شوند. فقط دادن پول به تراکمه و استرآبادی و اهالی بندر جز دوسه کمیته بالشویکی علناً دارند، لکن آن‌هم نتیجه ندارد. تا چه اقتضا کند.

درباب جعفربائی

به‌توسط آقامیرزاهادی قریب سی‌نفر از ترکمان طایفه نورعلی جعفربائی آدینه آخوند ساکن بشاسقه درشهر برای ورود حکومت وارد [شده] اداره قشونی همه‌نوع از آنها پذیرائی می‌نمایند.

درباب حکومت

دوازدهم ماه اگست از شاهرود حرکت نموده درامیریه با امیراعظم ملاقات [و] صرف ناهاری کرده در تاش آمدند. ابوالحسن خان برادر علی‌اکبرخان امیرعشایر سی رأس اسب تقدیمی نموده حکومت قبول نکرده. روز سیزدهم وارد رباط سفید و یوم چهاردهم قبل از ظهر وارد خیرات [می‌شوند]. آقا حسینقلی ارباب پذیرائی فوق‌العاده از حکومت نموده يك رأس اسب تقدیم نمود به‌خودش بخشید. قریب یکصد و پنجاه نفر ترکمان طایفه‌داز و اتابائی به‌استقبال آمدند. سه‌ساعت به‌غروب نظامیان دربیرون‌دروازه استقبال و با احترام وارد به‌دارالحکومه گردیدند.

درباب قتل

شانزدهم ماه مذکور خبر رسید تراکمه طایفه داز به‌قریه حسین‌آباد ملک سه‌فرسخی مشرقی رفته‌گاو چپاول نمایند. رعیت جلوگیری و نزاعی می‌نمایند. ملک محمدارباب تیرگرفته يك نفر رعیت مقتول [شده] تراکمه برگشتند.

درباب باران

هوای استرآباد در اول برج اسد به‌اندازه [ای] سخت و گرم شد [که] اکثر از اهالی از شهر خارج شدند. بیست‌وسیم ذی‌حجه مطابق هفتم ماه اگست هوا منقلب [شد] باران شدیدی آمد. هواسرد شد. لکن تاکنون شب و روز اتصالاً باران مانند اول بهار می‌بارد و هوا خیلی سرد شده.

نمره ۲۴۵

سی و یکم اگست ۱۹۲۳

درباب تراکمه

دوماه است حقوق سوارهای اتابائی عقب افتاده. ضمناً برای ورود حکومت دونفر رعیت آلوکلاته مقتول شده. حکومت امر می کند سوارهای اتابائی بروند سه نفرتر کمان قاتل را بیاورند. سردارهای اتابائی حضوراً جواب کرده نمی توانند مقصرتر کمن را بیاورد. عده [ای] از نظامیان جلوافتاده ماهم کمک خواهیم کرد. حکومت تغییر به سوار ترکمان [نموده] عده سوار اتابائی هم تعرضاً به صحرا رفتند. تاچه اقتضا کند.

درباب قتل

بیستم ماه اگست خبر رسید درکتول شش فرسخی مشرقی تراکمه داز یک نفر کدخدا را به قتل رسانیده است.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید دزد طایفه جعفربائی به قریه الوار سه فرسخی مغربی رفته به قرب پنجاه تومان اثاثیه، یک نفر رعیت را به سرقت بردند.

درباب چپاول

شب بیست و پنجم ماه مذکور عده [ای] سوار قرقچی می روند به قریه اوزینه یک فرسخی مشرقی یک بلوک گوسفند چپاول [می کنند].

درباب تعمیر حصار شهر

دوسال است مذاکره تعمیر حصار شهر را بادولت نموده اینک مؤیدالدوله حکومت استرآباد دو هزار تومان اعتبار همراه آورده فرستادند اطراف شهر مهندسی نموده یک فرسخ می باشد. سه بازدید شده است. بازدید اول [را] در سال قبل مستشارالدوله رسیدگی نموده مانند اول خاکریز درست شود. دوازده هزار تومان حکومت به طهران تلگراف نموده اعتباراتی را بدهید که مشغول تعمیر بشوند. بازدید دوم هفت هزار تومان. بازدید سیم چهار هزار تومان است.

درباب خوانین فندرسک

ایلیخانی دو رأس اسب ممتاز به حکومت تقدیم می نماید. علی اکبرخان امیر عشایر وارد اداره قشونی هزار و پانصد تومان فوق العاده نظامی را از امیر عشایر مطالبه دارند.

قریب یکصد نفر اهالی فندرسک به تحریک ایلخانی در شهر آمده به حکومت عارضند امیر عشایر قریب یکصد هزار تومان اموال ما را به غارت برده است. فعلاً بین خوانین مزبوره ضدیت [است]. حکومت متفکر تاکنون حکمی درباره هیچیک صادر نکرده. در ضمن آقا میرزا مهدی مجتهد مشغول اصلاح فیما بین ایلخانی و امیرعشایر می باشد.

درباب سرقت

شب سیام اگست دزد طایفه اتابائی به قریه جعفرآباد نیم فرسخی مشرقی آمده چهار رأس گاو به سرقت بردند.

نمره ۲۵۵

۱۴ سپتمبر ۱۹۲۳

درباب مأموریت

حکومت استرآباد سعیدالسلطان حاکم بندر جز را احضار [و] امیر اشرف برادر امیر مؤید را منصوب نمودند.

درباب عروسی

تراکمه گموش تپه یاور احمدخان و سهم الممالک را دعوت می نمایند. صد نفر نظامی سوار و پیاده همراه برداشته دویم ماه سپتمبر رفتند. سه شب توقف به قرب دویست و پنجاه تومان پول و شال به ترکمانها داده مراجعت نمودند.

درباب تحریک

حاج شیخ حسین و کسانش دوشتر سید ارومیه [ای] را محرک شده اند در مجالس روضه خوانی پای منبر بلند شده نطق می نمایند زنده باد احمدشاه، مرده باد دولت انگلیس.

درباب ورود

آقاسید محمدعلی ۲۵۴ که یکی از سادات اجله شوشتر دزفول است وارد به استرآباد [شده] و جزئی املاک اطراف دارند. لکن در مجالس دید و بازدید اکثر ۲۵۵ بر علیه بالشویکها تکذیب می دارند. منتشر است مشارالیه از طرف انگلیسها می باشد.

۳۵۴- سید محمدعلی شوشتری است که بعدها وکیل مجلس شد. (به صفحه بعد مراجعه شود).

۳۵۵- اصل: اکر.

درباب افعال شنیع

اول بهار بین سردار اشرف و حاج شیخعلی تاجر که مالک قریه سیدمیران می‌باشند برای کدخدائی محل دلتنگی حاصل [شد] رعیت دوفرقه می‌شوند. کدخدای سردار اشرف بهانه‌جوئی کرده فلان رعیت برای خواهر من سنگ انداخته است... ۲۵۶ وارد کرده، لذا در مقام تقاص برآمده به‌اتفاق شش نفر از اقوام خود بیرون قریه در زمین پنبه‌زار بسخو نموده يك دختره باکره به‌اتفاق برادرش می‌روند به‌زمین مزبور. کدخدای سردار اشرف با چند نفر دیگر خواهر و برادر را دستگیر کرده با دختر چهار نفر طرف شده، برادرش را هم وطی می‌نمایند. اقوام و عشیره دختر و پسر را در شهر آورده به‌حکومت تظلم می‌نمایند. حکومت چند نفر سوار فرستاده مرتکبین را جلب و به‌عدلیه می‌فرستند. به‌توسط مدعی‌العموم استنطاق می‌شوند. اقرار به‌معاصی نمودند. حکم شد دو روز در جلوخان نظمیه سه‌پایه بسته مرتکب را یکصد و هفتاد تازیانه [بزنند]. لکن عارض مدعی است که فاعل را به‌میزان شرع سنگسارش نمایند. افسوس یکصد و پنجاه تومان سردار اشرف. مدعی‌العموم يك شب در سید میران تفتیش محلی کرده مشغول اصلاح می‌باشند.

نمره ۲۶

۲۲ سپتمبر ۱۹۲۳

درباب ورود

سید محمدعلی شوشتری از طرف وزارت جنگ برای عموم علما سفارش آورد، اهالی استرآباد [او را] به‌وکالت انتخاب نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب چپاول

سیزدهم ماه سپتمبر خبر رسید سوارهای جعفربائی پنج رأس مال مکاری را گرو کرده عوض موجب خود برده‌اند.

درباب گرو

ایضاً يك نفر از کسبه به‌شهر برای وصول طلب به‌طایفه جعفربائی رفته يك عده سوار مشارالیه را اسیر کرده مطالبه سیصد تومان از اداره قشونی می‌نمایند.

درباب توقیف

اداره قشونی و رئیس مالیه برای مالیات سابق فندرسك شکایت نموده بودند و

راپرت که خوانین فندرسک با هم نزاع نموده و طرفین در شهر سرگردان می‌باشند. وزارت جنگ ۱۸ ماه مذکور سه هزار تومان مالیات را تلگرافاً امر کرده از مهدی‌شاه ایلخانی و علی‌اکبرخان امیرعشایر مطالبه دارند. امیرعشایر و ایلخانی منزل سهم‌الممالک آمده اداره قشونی ایشان را حبس نمود. تاچه اقتضا کند.

درباب تجارت

این دو سه روزه سه پراخوت مال‌التجاره معادل دویست هزار تومان به‌توسط سه نفر آلمانی وارد بندر جزر نموده در گمرک توقیف [است]. سه نفر مذکور در شهر آمده مال‌التجاره را به‌حاج محمدرضای تاجر... ۲۵۷... هشت هزار تومان وجه برای گمرک فرستاده. مال‌التجاره از قبیل قندوشکر زیادی و اجناس پشمینه و خرازی و ظروف و کفش است.

نمره ۲۷۵

۱۵ اکتبر ۱۹۲۳

درباب اسیر

۲۶ ماه سپتمبر دونفر رعیت کردمحل عازم شهر بودند نیم‌فرسخی مغربی‌ترکمانهای جعفربائی آنها را اسیر کرده می‌برند.

درباب تحدید

چندی است اداره تحدید و رسومات بی‌اندازه به‌ارامنه و کسبه شهر برای تفتیش سوخته و تریاک ستخگیری می‌نمایند. هر نقطه دونه‌خود سوخته به‌دست بیاورند شش تومان جریمه برای همین حرکات پنجاه نفر قزاق به‌قریه کفشگیری فرستاده دوباب خانه رعیت را تاراج نمودند.

درباب مالیه

به‌سبب حبس نمودن خوانین فندرسک رعیت دانسته از طرف اداره مالیه بیان‌السلطان را ۲ سپتمبر با یک عده قزاق و یک عراده توپ مأموریت فرستاده ۲۵۸ به‌رامیان‌رفته‌اند که با قوه سرنیزه از مردم مالیات مطالبه دارند.

۳۵۷- به‌اندازه دوکلمه سفید گذاشته است.

۳۵۸- اصل، گردیده.

درباب قتل

چهارم ماه اکتبر خبر رسید دو نفر فراش در محمدآباد کتول مأموریت داشتند یک نفر ترکمان طایفه دویجی در آنجا وارد شده او مهمان بوده مأمورین حکومت مشروب استعمال نموده ترکمان را بی جهت مقتول رسانیده. امیرامجد مأمورین را گرفته به شهر فرستادند.

نمره ۲۸۵

۱۸ اکتبر ۱۹۲۳

درباب خبر

یک نفر اجزاء قونسلخانه دولت عثمانی ساکن مشهد از راه ترکستان به استرآباد وارد [شده] فقط حاج شیخ حسین وکیل سابق را ملاقات کرده از راه شاهرود مراجعت می نمایند.

درباب حکومت

مابین حکومت و اداره قشونی برای وضعیات استرآباد برهم خورده. حکومت میل دارد اداره قشونی در تحت امر ایشان باشند. قشونی هم می گوید اجازه از وزیر جنگ نداریم. اغتشاش سرحدی و تصرفهای اداره عدلیه در کلیه امورات باعث اثرچار حکومت گردیده. از استرآباد هم مشغول اتتریک شده اند. تاچه اقتضا کند.

درباب قتل

علی محمد نامی که از طرف نظمی به ریاست دوازده نفر تفنگچی برای محافظت قشونی شبها مأمور بوده از دزدی ترکمانها جلوگیری نماید شب ۱۴ ماه اکتبر جنب کاروانسرای حاجی مهدی پاترده نفر ترکمان طایفه آق آمده بودند که از کاروانسرا اسبهای قزاقها را سرقت نمایند علی محمد مذکور مصادف شده او را به قتل رسانیدند. تفنگ و قطار آن را گرفته رفتند.

درباب چپاول

پاتردهم ماه مذکور خبر رسید یک عده سوار جعفربائی به قریه النک سه فرسخی مغربی رفته یک بلوک گاو چپاول نموده یک نفر را هم به قتل رسانیدند.

درباب قتل

شب هفدهم اکتبر یک نفر ترکمان طایفه اتابائی را رعیت آلوکلائی به قتل رسانیده

نمره ۲۹۵

۲۴ اکتبر ۱۹۲۳

درباب بلشویکها

علی اکبر نام ساکن جز به دستور حاج شیخ حسین وکیل استرآباد درچکشر و کراسنودسکی رفته بالشوویکها را دعوت به استرآباد می نمایند. مراجعت نموده اظهارداشت بالشوویکها می گویند ورود ما باید از خطوط اترك باشد. طوایف یموت اطمینان بدهند که سوءخیال آنها نشود والا به این قراردادی که ما بادولت ایران نموده ایم سزاوار نیست ترکمان رعیت ایران را صدمه بزنند. از جلوگیری ترکمانها متوحش^{۲۵۹} هستند.

درباب آلمانها

مال التجاره که در بندر جز وارد کرده اند دربارفروش هم وارد [کرده اند]. سه نفر آلمانی حامل مال التجاره بوده اند. يك نفر توقف، دو نفر به مشهد رفته اند. برای حمل مال التجاره يك شعبه تجارت هم در همدان معین کرده، آقا محمدرضای تاجر شاهرودی موسوم به اخوین را از قرار مذکور بایک نفر خواهند فرستاد. مراجعت پراخوت حرکت نخواهد کرد. تهیه خرید پشم و پنبه راهم دارند. از قرار مذکور ایشان خیال دارند باروسها شرکت نمایند در خرید پشم و پنبه و غیره.

درباب نزاع

شب بیستم ماه اکتبر معمولی ایرانیها جشن می گیرند. چند نفر اهل محله پاسرو عرق زیادی خورده نزاعی می نمایند. دو نفر محروح که يك نفر مشرف به موت است. اسمعیل نام را دستگیر و درحبس نظمیه است.

درباب تفتیش

بیست و سیم ماه مذکور حاج عزالمالك^{۲۶۰} وکیل عربستان برای تفتیش اداره مالیه استرآباد وارد گردیده مشغول اصلاح دفاتر و امورات مالیه و اوضاع فندرسك می باشند. تاچه اقتضا کند.

۳۵۹ - اصل: متوحش.

۳۶۰ - امان الله اردلان.

نمره ۳۰۵

۱۳ اکتبر ۱۹۲۳

درباب چپاول

۲۵ ماه اکتبر سوار طایفه جعفر بائی به کرده محله رفتند هفتاد رأس گاو میش را گرفته بردند.

درباب چپاول

ایضاً خبر رسید تراکمه قجق یک بلوک گاو از قریه دار کلا بلوک فندرسک چپاول نموده یک نفر مقتول، یک نفر هم مجروح [است].

درباب چپاول

۲۷ ماه مذکور خبر رسید تراکمه طایفه داز یک بلوک گاو، دو رأس اسب از قرای کتول چپاول کرده اند.

درباب قتل

ایضاً خبر رسید دوفرسخی مغربی رعایای حیدرآباد یک نفر ترکمان جعفر بائی را به قتل رسانیده اند.

درباب چپاول

سیام ماه اکتبر تراکمه جعفر بائی هشت رأس مال که پشم برای تاجر روسی حمل داشته یک فرسخی مغربی با سه نفر مکاری گرفته بردند.

درباب حرکت قشون

ایضاً در این دوسه روزه سه گروهان قزاق با سه صاحب منصب به عنوان رشت حرکت کرده در بندر جز توقف دارند و منتظر ورود پراخوت می باشند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۳۱۵

دهم ماه نوامبر ۱۹۲۳

درباب جشن

سلخ ماه اکتبر اداره قشونی عموم علما و اعیان را دوساعت به غروب دعوت نمود.

[برای] تبریک به ریاست وزراء، صرف چای و شربت نمودند.

درباب قرار

خوانین فندرسك را حسب الامر وزیر جنگ برای مالیات در منزل سهم الممالك توقیف کرده بایک عده قزاق باگماشته اداره مالیه به فندرسك می‌روند. به اندازه [ای] بداهالی فندرسك و رامیان اجحافات و صده رسانیده [که] خانواده ایلخانی و سایر برادرزاده او را قطع نان [کرده] که از گرسنگی اتعالا آه و ناله می‌کردند. ایلخانی و امیر عشایر متوحش ۲۵۱ [شده] و ناعلاج شب دویم ماه نوامبر از شهر فرار کرده، به طایفه اتابائی پناهنده شده از آنجا به طایفه کوچک و تاتار می‌روند. اداره قشونی برای جلوگیری آنها فوراً یکصد و پنجاه نظامی به رامیان کمک فرستاده. در ضمن هژبر السلطان ۲۶۲ پسر امیر مؤید را با منوچهرخان و پنجاه نفر قزاق تعاقب ایشان به صحرا می‌فرستند مغولان ایشان را بیاورند. مأمورین به طایفه کوچک وارد [شده] سوار قرقچی به کمک ایلخانی آمده مأمورین از ترس مراجعت کرده ایلخانی و امیر عشایر نیامدند.

درباب مفتش

حاج عزالممالك مفتش اداره مالیه را تلگرافاً خبر دادند تحدید و کابینه وزارت فوائد عامه را گذار شده است. حرکت به طهران نمودند.

درباب چپاول

سیم ماه نوامبر تراکمه قرقچی یکصد و پنجاه رأس گاو از طایفه جعفربائی چپاول کرده بردند.

درباب وکالت

چند نفر داوطلب وکالت استرآباد ویموت می‌باشند. قرار بود هفته قبل را تعرفه تقسیم نمایند. به سبب تغییر کابینه برهم خورد. اسامی داوطلبان وکالت از این قرار است: سید محمدعلی شوشتری به حمایت وزیر جنگ - معتضدالاسلام - آقاخان کتولی ملقب به امیر امجد - مؤیدالدوله.

درباب جشن روسها

برای جشن ششم دولت بالشویکی قونسول روس روز پنجم ماه نوامبر را دو ساعت بعد از ظهر برای تبریک حاضر شده، حکومت و رؤسای ادارات و تجار رفتند صرف چای و قهوه نموده مراجعت کردند. قونساخانه را زینت داده بیرقهای قرمز کوچک

۳۶۱- اصل: موحش.

۳۶۲- اصل: هژبر السلطان

متعدد اطراف عمارات قونساخانه نصب کرده آتش بازی مختصری نمودند.

نمره ۳۳

۲۸ نوامبر ۱۹۲۳

درباب فندرسک

به عرض رفته بود ایلخانی و امیر عشایر فرار کرده به صحرا رفته اند. از آنجا به طایفه کوچک می روند، به قرب دوهزار سوارترکمان اطراف ایشان جمع شده یکصد و پنجاه قزاق که با نماینده مالیه در رامیان مشغول جمع آوری مالیات بودند ترکمانها اطراف رامیان را محاصره و راه مسدود و قاصد رامیان را که به شهر می آمد گرفته، آنچه نوشته جات داشته برای ایلخانی بردند. حکومت ویاور احمدخان متوحش شده از آقامیرزا مهدی مجتهد خواهش کردند که با عده [ای] به فندرسک رفته، ایلخانی و امیر عشایر را مراجعت به شهر بدهند. جناب معظم الیه به اتفاق دونفر از علما و دونفر از کسان خود می روند به کتول. قاصدی برای ایلخانی فرستاده آمدند در نامتلو خاک فندرسک ملاقات شده آنچه را که محل اطمینان ایلخانی بوده اظهار داشتند پذیرفته نشد. نمایندگان مالیه از ترس شبانه از رامیان فرار کرده بدشاهرود می روند. قزاق راهرآینه رعیت رامیان مساعدت نمی کردند عقیده تراکمه چابیدن آنها بوده و بعد آنها را اسیر نموده عوض اموال غارت شده ایلخانی در صحرا بردند. تا چه اقتضا کند.

درباب سرق

شب ۲۲ شانزدهم ماه نوامبر دزد طایفه ایلیغی در شهر آمده پنج رأس گاو، دوزاس مال سرق کرده بردند.

درباب قتل

ایضاً عده [ای] از ترکهای ارومیه که جلای وطن کرده در استراباد ساکنند در صحرای یموت برای معیشت خود رفت و آمد می نمایند دوفرسخی مغربی ترکمانها یک نفر آنها را تیرزده مقتول والاغ او را بردند.

درباب چپاول

تلگرافاً از گموش تپه خبر دادند طایفه خوجه نفس بالتکا به مازندران رفته بودند به قرب یکصد رأس گاو میش، پنج نفر اسیر آورده. یک زن راهم به قتل رسانیدند. یاور احمدخان نظامی منوچهرخان رئیس سوار ترکمان را بایست سوار مأمور کرده است بروند و پنج نفر اسیر را بیاورند.

درباب بی نظمی

عدم کفایت حکومت و نظامیها همه شب دزد تر کمان داخل شهر می شوند. شب بیست و سیم ماه نوامبر رئیس نظمی را تیر کرده آسیبی نرسیده فرار کرد، مجروح [شده] مشغول معالجه می باشند. بعد از مغرب کسی قدرت ندارد از منزل بیرون برود.

درباب فندرسک

روز بیست و هفتم ماه مذکور آقامیرزا مهدی مجتهد که به فندرسک رفته بود علی اکبرخان امیر عشایر را باولی اللهخان پسر ایلخانی را اطمینان کامل داده همراه خود به شهر آورده اند که امورات فندرسک را اصلاح نمایند. تاجه اقتضا کند.

نمره ۳۳

نمره دسمبر * ۱۹۲۳

درباب غارت

به عرض رفته بود منوچهر خان برای اسرای مازندران و گامیها به خوجه نفس رفته است. ترکمانها اعتنائی نکرده شلیک تفنگ می نمایند. یک نفر قزاق تیر گرفته بر گشتند.

درباب محاکمه جزائی

چهار نفر مقصر سید میرانی که دختری را بدسیرتی کرده در نظمی اقرار به معاصی شنیعه نموده اند وزارت عدلیه امر کرده بر حسب قانون پنج نفر اجزاء عدلیه [آنها را] محاکمه نمایند. امین الحکماء عضو عدلیه شاهرود به استرآباد آمده، هشت جلسه مقصرین را محاکمه [کرده] و حکم اعدام دو نفر نوشته، سیصد تومان جرم برای دو نفر دیگر معین کرده اند. تاجه اقتضا کند.

درباب حکومت

یاورا احمدخان نظامی به ضدیت حکومت استرآباد به دستگیری آقامیرزا هادی تراکمه جعفر بانی را محرك می شوند که بلوک سدن رستاق را تاخت و تاز کرده اموال مردم را غارت نمایند. به این سبب حکومت متهم شده است.

درباب ورود

دو نفر عثمانی بایست نفر اجزاء از راه شاهرود وارد بندر جز، رفته بودند که از آنجا به روسیه بروند. حکومت آنها را مراجعت به استرآباد نموده امر شده است که از راه

* اصل: سپتمبر (و در موارد بعد هم به اشتباه سپتمبر نوشته).

شاهرود مراجعت نمایند. تاجه اقتضا کند.

نمره ۳۴۵

۱۹ ماه دسمبر ۱۹۲۳

درباب عدلیه

چهارم ماه دسمبر وزارت عدلیه خط خراسان که پنج نقطه تشکیل عدلیه منحل کرده است (؟) هر نقطه را یک صلحیه برقرار نموده‌اند بد نظارت حکومت محلی.

درباب وکیل

ایضاً خبر رسید اهالی دامغان صدرا لادبا ۲۶۲ رئیس عدلیه شاهرود را به وکالت دامغان منتخب کرده‌اند.

درباب چپاول

نهم ماه مذکور خبر رسید سوار طایفه جعفر بائی پنجاه رأس گاو از قریه حیدرآباد دوفرسخی مغربی چپاول کرده بردند.

درباب احضار

ایضاً برای گرفتاری بلوک فندرسک که رئیس مالیه باعث شده مدتی است یک عده نظامی در آنجا معطل و سرگردان [اند] به واسطه فرار ایلیخانی نظامیان در میان محبوس [شده‌اند] و راه فرار ندارند به تصویب ریاست وزرا رئیس مالیه را احضار به طهران نموده‌اند [که] عمل فندرسک را تصفیه نمایند. آنچه ایلیخانی را اطمینان می‌دهند که به شهر بیاید متوحش است.

درباب قتل

دوازدهم ماه دسمبر میر علی خان رئیس طایفه اتابائی به سرخونکلاته می‌رود. مراجعت شب را در معصوم آباد دوفرسخی مشرقی توقف [کره] به تحریک آقاعلی خان مقصودلوی شب او را تفنگ زده و نعش او را به او به فرستادند. تاجه شود.

درباب کرمحله

یک نفر آدم غیر رسمی از طرف حکومت به کرمحله فرستاده بودند ماه پنجاه تومان حقوق را مؤیدالدوله می‌گرفت. از طهران امر شد سعیدالسلطان رئیس نظمیه سابق را به معاونت کرمحله فرستادند.

درباب تنزل

موضوع پشم و پنبه يك ضرر فاحش به تجار ایرانی رسانیده، چندی قبل روسها خرید پشم را ترقی دادند. مبلغ گزاف خرید حمل به روسیه نمودند. دولت به موجب گرانی... ۲۶۴ از تجار نخریده به قیمت نازل بعضی فروخته و برخی امانت گذارده اند. باعث این ضرر فاحش قرارداد دولت ایران با دولت بالشویکی است که صمیمانه بوده و حال تمام تجارتخانه ایران متزلزل و اکثر نوشته اطلاع خواهند گرفت.

نمره ۱۵

۲۹ دسمبر ۱۹۲۳

درباب اصلاح

اسکندر خان نظامی از طرف اداره قشونی مدتی است به گموش تپه می رود، به هزار خواهش و تملق وعده و وعید زیادی اتاخان رئیس گموش تپه را به شهر آورده با همه آن مخالفت های مشارالیه با دولت و تاخت و تاز، مقرب درگاه گردیده پانصد تومان به عنوان خسارت از اهالی کرده محله گرفته به مشارالیه دادند. تاچه اقتضا کند.

درباب قتل

بیست و چهارم ماه دسمبر خبر رسید دونفر رعیت کفشگیری بدطایفه جعفر بائی رفته بودند. مراجعت هر دو را به قتل رسانیده مال با تفنگ ایشان را به غارت بردند.

درباب پنبه

يك هفته است تجار سزوآر از استرآباد خرید پنبه می نمایند. خرواری صد تومان می خرنند و حمل به هندوستان می شود.

درباب حاج شیخ حسین

سابقاً به عرض رسانیده بود حاج شیخ حسین وکیل سابق استرآباد با دولت بالشویکی اتحاد داشته برای وکالت مشارالیه به اندازه کوشش دارند و مکشوف شده است به توسط اداره «وین اشترکها» پولی گزاف برای حاج شیخ حسین فرستاده اند. به قوه پول مشغول انتریگ [و] وکیل استرآباد می باشند*

۳۶۴- جای دو کلمه سفیداست.

۳۶۷- نامه ای که در زیر چاپ می شود اصلش در کنار این صفحه الحاق شده است.

* به تاریخ ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۳۹

جناب جلالت مآب اجل سرکار آقای آقا حسینقلی وکیل الدوله دام اقباله العالی. انشاء الله مزاج

در باب توضیح

به عرض رسانیده بود حاج شیخ حسین وکیل سابق استرآباد يك نوع ضدیت مغرضانه به دولت فخریه می نمایند و اکثر شایعات از ناحیه مشارالیه منتشر می گردد. الصاق حکومت اعلان نطق شمال را در تمام شهر شایع ۲۶۵ شد که طرفداران حاج شیخ حسین منتشر کرده اند و قرارداد نطق باطل است. چون دولت امریک در باطن با دولت انگلیس و کمپانی نطق جنوب شرکت دارد. مشهدی قنبر اصفهانی بالشویک مسلک است. در بندر جزر اقامت دارد. به چند نفر از سهم تجار و کسبه های خود را پرت می دهد. دو پراخوت جنگی بالشویکی

→ شریف عالی و متعلقان با کمال صحت و سلامتی است. اگر از حال این بنده مهجور از هستی ساقط استفسار فرمائید عجالتاً در طهران با کمال پریشانی حواس و لیلا و نهاراً مشغول به خوردن خون جگر می باشم. زیرا اینکه ما حصل يك عمر و زحمت کشیده دوره زندگانی مخلص تماماً در معرض خطر، اوقات خود را در لیالی به مناجات به درگاه حضرت قادر متعال گذرانیده از آنجائی که همیشه خداوند متعال کمک و دادرس بی گناهان است فقط خود را به همین تسلی می دهم و مقدرات آتیه خود را بر گذار به ذات مقدس او نمودم. باری البته شرح مصائب و صدمات و لطافات طاقت فرسای عامه طبقات گیلانی را شنیده اید، اگر بخواهم شرح صدمات و بلای ناگهانی وارده بر گیلانیها را بدهم بدیهی است اسباب تألم و تأسف آن دوست عزیز خواهد گشت. آقای عزیزم در هفت ماه قبل که متجاسرین و بالشویکها وارد اتزلی شده بودند جناب اجل قونسول صاحب باتمام اجزاء و اردوی منصور دولتی بریطانیای کبیر از رشت حرکت کرده اردو در منجیل تمرکز یافته خودمان فقط بایک دست لباس تابستانی به طهران وارد شدیم. آن حال رقت آوری که بر خود مشاهده نموده اگر مورد لطف و حکومت جناب اجل قونسول مقیم طهران در سفارت واقع نبودم با وضعیات حالیه طهران که هیچ پدری [را] بر پسر رحم نیست این دارفانی را وداع گفته بودم. زیرا اینکه در عرض این مدت هفت ماه که در طهران اقامت دارم از عیال و اطفال متواری شده در جنگلها و از ما حصل زندگانی يك عمر خود تا کنون ابداً اطلاعی ندارم. از بذل مرحمت جناب اجل جنرال قونسول سفارت محترم منتها درجه امتنان و تشکر را دارم. از مثل جنابعالی دوست محترم که مقدرات هردوی ما در حکم واحداست، در این مدت بهیچوجه از دوست دیگرش که این بنده باشد ابداً در مقام استفسار حالات رقت آور عموم گیلان مخصوصاً این بنده بر نیامدید. واقماً کمال یأس را با آن همه ارادتی که بنده به جنابعالی داشته و دارد، اینک بر حسب وظیفه دوستی فوق العاده که به جنابعالی دارد بدین مختصر در مقام تصدیع برآمد که شعله ای از حالات پریشان خود را به آن دوست عزیزم عرضه بدارم. امیدوارم که خداوند همیشه سعادت و نیکبختی را به جنابعالی و متعلقان عطا فرماید. این بنده هم تمام مطالب قلبی و امیدواری و حل مشکلات خود را واگذار به ذات مقدس خداوندی نموده ام. اگر چه سعادی علیه الرحمه خوب می فرماید که:

منشین ترش تو از گردش ایام که صبر گرچه تلخ است ولسی میوه شیرین دارد
(آدرس منزل بنده این است. طهران. در وسط بازارچه پامنار روبروی آب انبار بزرگ. کوچه سقاخانه که هم موسوم است به کوچه حمام کاشی منزل آقا سید ابوالقاسم نانوا. صمصام الکتاب وکیل الدوله رشتی). به زودی به همین آدرس جواب همین عریضه را به ضمیمه سلامتی جنابعالی مرقوم فرموده که انتظار وصول به توجه جوابیه را دارم. زیاده ایام سعادت مستدام. از طرف اقل صمصام الکتاب وکیل الدوله رشتی مقیم موقتی طهران عرض شده است. این چند کلمه را با کمال پریشانی حواس معروض داشت که چند جا قلم خورده است. امیداست که عفو خواهند فرمود.

در عثوراده آمده است می خواهد به مردمان عوام بگوید دولت بالشویکی امتیاز نطف را اجاره نکرده این قرارداد لغو است که باعث پریشانی روسها بشود و ضمناً آن پراخوتها در تریکی گموش تپه گردش می کردند. در باطن هم کشف شد یک جهت آن برای ترکمانهای گموش تپه بوده، در دریا سیر می کند که مال التجاره و اموال گمرکی را به قاچاق ببرند. چند شب نامد هم در بازار و پشت شهر برای حکومت و ادارات انداخته شرحی مذمت از نظار و توهین از حکومت و قشونی کرده امضاء کمیته بیرق گذاشته. مکشوف شد این حرکات به دستگیری هواخواهان و قبیله حاج شیخ حسین و کیل است. اداره قشونی چهار نفر آنها را به امر حکومت گرفته حبس و استنطاق کرده اعتراف داشتند که خط سید محمد علی معین الشریعه و کیل عدلیه بوده. سه نفر را مرخص کرده و مشارالیه را امر به محبس نظمیه داده است و تاکنون در حبس است. لکن چون حاج شیخ حسین باروسها متمایل [است] و قراردادی هم کرده است و از طرف قونسولگری و کمیته بالشویکی در شاه قدم به توسط مشهدی قنبر و علی اکبر ولد حاج رستم جزئی اتحالا دستور به حاج شیخ حسین می دهند خلافتی ندارد و این همه نفاق و ضدیت ولایتی برای کاندید [ائی] مشارالیه است، باعث انقلابات و خونها می باشند که او را کاندید کرده قرار نطف را در مجلس نشو نماید. اهالی بر علیه مشارالیه رفتار دارند.

اعلانی حکومت ملصق نموده قرارداد نطف شمال یا دولت امریک خاتمه داده، روسها به این لحاظ دو پراخوت جنگی در دریا نمایش می دهند. در باب ورود سید محمد علی شوشتری که باعث توپ بستن خراسان بوده به خیال و کیل شدن استرآباد وزیر جنگ هم مساعد است. حکمی از طهران برای آسودگی مهدی شاه ایلخانی که مقصر دولت است از وزیر جنگ صادر کرده، توسط اداره قشونی مالیات بدهی ایلخانی [را] تصفیه نماید. ۲۶۶

مخبرات استرآباد

١٩٢٤

٢٣ جمادى الاولى ١٣٤٢ - ٤ جمادى الثانيه ١٣٤٣

www.KetabFarsi.com

نمره ۲

۵ جنواری ۱۹۲۴

درباب اعتراض

اعلان خاتمه کنترات دولت ایران برای نطف شمال در استرآباد، حاج شیخ حسین وکیل سابق که برای دولت بالشویکی جانفشانی و به دستور آنها رفتار می نماید به هواخواهان خود دستور داده در هر مجالس و بازارها اعتراض نمایند^{۲۶۸} که این قرارداد بر وفق دلخواه دولت انگلیس است مجلس تصویب نخواهد کرد. لکن سایر اهالی کلیه از این قرارداد مشعوف و متشکر هستند. امیدوار می باشند هر چه زودتر کمپانی محترم داخل عملیات بشود، شاید خط آهن راهم بکشند که اهالی برای رفتن مکانها به سهولت رفت [و] آمد نمایند.

درباب قتل

چهارم ماه جنواری از فندرسک به اداره قشونی راپرت می دهند که پسران میر محمدخان عموزاده ایلخانی با سه نفر سادات می رفتند به قریه نوده میرزا اسمعیل خان [که] بین رامیان و حاج لر واقع است از توی دره شلیک تفنگ می شود. چهار نفر آنها مقتول [و] یک نفر مجروح شده. قزاقها مخبر [شده] از رامیان عده رفته مقتولین را با مجروح به رامیان برده اند. فوت می شود و قاتل معلوم است. تا چه اقتضا کند.

نمره ۳

۱۲ جنواری ۱۹۲۴

درباب خبر

وزارت فواید عامه یا وزارت مالیه به اداره استرآباد دستور می دهد که امنیه دولت

را تعقیب برسانید. چون وضعیات استرآباد هر يك از احكام سابق شخصاً كه باقی بوده وقف کرده‌اند، این جواب را به طهران فرستاده. مجدداً امر شده است کمپانی امریکائی برای نطف شمال خواهد آمد. مخصوصاً يك قسمت گزافی روی امنیه دولت گذاشته بفرستد. اداره به دستور وزارت رفتار نموده‌اند.

درباب بالشویکی

اعلانی از طرف حکومت در معابر ملحق شده که قرارداد نطف شمال با دولت امریک [شده] نمایش می‌دهد. به این لحاظ دوپراخوت شکسته جنگی دولت بالشویکی وارد عشوراده

درباب ورود

سید محمد علی شوشتری که باعث توپ بستن خراسان بوده که خود مدتی است در استرآباد به خیال و کالت می‌باشد نوشته وزیر جنگ شامل حال اوست، لهذا مساعدت با مهدی شاه ایلیخانی نموده حکمی از وزارت جنگ به توسط حکومت وقشونی وارد نموده است محرمانه امورات فندرسک را تحفیه نماید. تاجه اقتضا کند.

درباب چپاول

ششم ماه جنواری تراکمه اتابائی نیم فرسخی شمالی دونفر را لخت کرده دورأس مال آنها را بردند.

درباب روسها

لورسیون ۲۶۹ روسها به عرض رسانیده چند نفر در خاک کتول تصرفات و اراضی از شیخ محمد باقر فاضل خریداری کرده بودند. میتسکی تاجر روس که باقر آباد بازمین مزروعی ۲۷۰ را از شیخ محمد باقر فاضل هفتاد هزار منات خریداری کرده اینک سفارت روس مطالبه آن قطعات اراضی را از شیخ محمد باقر فاضل می‌نماید. می‌گوید قبل از فروش آن اراضی را به پسر م نقل کردم و او هم فوت شده — آنچه از او باقی است صبر کنند که بچه به حد بلوغ برسد، باشما محاکمه نماید. تاجه اقتضا کند.

درباب روسها

قونسول روس از دست اعضای ۲۷۱ عدلیه به سفارت شاکی شده‌اند که رسیدگی به امورات قونسولگری نمی‌شود. وزارت عدلیه قول داده است که این عده اعضای عدلیه

۳۶۹- کذا، شاید: رولسیون.

۳۷۰- اصل: مضروبی.

۳۷۱- اصل: اعطای.

را بروفق نمایند روسها عوض نمایند. حاج محسن خان مدعی العموم را مأمور بارفروش نموده اند. تاجه اقتضا کند.

درباب اسیر

به عرض رفته بود دختری را تراکمه از شهر برده اند دعوی يك قبضه تفنگ پنج تیره، پانزده تومان وجه از شخص قوچی می خواستند، لذا حکومت مجبور شده چهل و پنج تومان وجه برای ترکمانها فرستاده دختر اسیر را عودت دادند.

نمره ۴۵

۱۹ جنواری ۱۹۲۴

درباب نظار

به عرض رفته بود حکومت برای انتخاب استرآباد نظار معین کرده. هواخواهان حاج شیخ حسین بر علیه حکومت قیام کرده انجمن و کمیته ترقی تشکیل داده اند و بنای شکایت از حکومت و نظار را گذارده به تلگرافخانه متحصن می شوند. حکومت يك نفر صاحب منصب نظامی را با عده [ای] مأمور نموده متحصن را از تلگرافخانه بیرون نمودند. بعد چند نسخه شننامه ولایحه به توسط مدعی العموم به حکومت می نویسند. حرفهای خشن و ترشت به نظار [گفته] و توهین و تهدید ۲۷۲ [می نمایند]. به امر حکومت چهار نفر مرتکبین را دستگیر کرده [در] اداره قشونی حبس می نمایند. استنطاق می شوند. معین الشریعه محکوم [شده] بعد از دوسه شب سه نفر را مرخص کرده معین الشریعه را در حبس نظمیہ توقیف می دارند. تاجه اقتضا کند.

درباب چپاول

چهاردهم ماه جنواری تراکمه جعفر بانی یکصد رأس گاومیش از قریه چهارده چهار فرسخی مغربی چپاول کرده می برند. رعایا دونفر ترکمان را گروهی نمایند. حکومت چند نفر را به اتاخان ترکمان فرستاده سه رأس گامیش را مسترد نموده. تراکمه را رها نمودند.

درباب چپاول

ایضاً دونفر رعیت را يك فرسخی مشرقی تراکمه اتابانی لخت کرده مالهای آنها را بردند.

درباب احضار

شازدهم ماه مذکور ریاست وزرا حکومت استرآباد را تعجیلاً احضار کرده معاون خود را کفیل قرار داده فوراً عزیمت به طهران نمودند.

درباب نظار

از تاریخ هیجدهم جنواری نظار برای دادن تعرفه در مسجد جامع رفته مشغول بد تقسیم تعرفه می‌باشند. لکن هواخواهان حاج شیخ حسین اهالی را محرك و مانع از گرفتن تعرفه می‌باشند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۵

سیام جنواری ۱۹۲۴

درباب ورود

غلام‌خان خیوقی با چهل سوار از راه قاری‌قلعه به گنبد قابوس [و] از آنجا به گموش‌تپه وارد [شده‌اند]. سه شب توقف کرده مراجعت نمودند. تاکنون از ورود مشارالیه خبری مفهوم نشده است.

درباب انتریک

به تحریک حاج شیخ حسین و کیل سابق چند نفر شب و روز [مشغول] به اقدامات بر ضد نظار و انداختن شبنامه و لایحه و مذاکرات با مرکز دارند. یک پاکت به توسط فراش پست بدون تمبر به عنوان سردار اشرف آورده در مصلی، فحش زیادی به مشارالیه و حاج شیخ علی نظار که طرفدار سید محمد علی شوشتری می‌باشد داده بودند. احمدخان سرهنگ امر کرده فراش مزبور ۲۷۳ را به اداره نظمیه [آورده] حبس می‌نمایند.

درباب تلگراف

حکومت، مؤیدالدوله، حرکت از استرآباد به سمت بندر جز [می‌نماید]. میرزا عبدالله‌خان برادر عیال مشارالیه وارد [می‌شود] مراجعت به شهر می‌نماید. کفیل وزارت داخله که سابقاً با حاجی شیخ حسین روابطی داشته بر حسب تلگراف انجمن نظار را تعطیل نمایند. یاور احمدخان مشغول گرفتن نظار و محکوم به حکم ریاست وزرا می‌باشند. سیصد و هشتاد و یک تعرفه در شهر تقسیم کرده و حال مشغول به گرفتن می‌باشند. تاچه اقتضا کند.

درباب قتل

بیست و چهارم ماه جنواری يك نفر نظامی بادونفر کتولی از شهر می رفتند صحرای قرق چهارفرسخی مشرقی ترکمانهای داز بسخو داشته شلیک تفنگ می نمایند. نظامی مقتول، يك نفر کتولی مجروح می شود. خبر به اداره قشونی می دهند. احمدخان سرهنگ امر کرده دونفر تراکمه داز راجس می نمایند. يك شب نگاه داشته چون گناهی نداشته مرخص می نمایند. تاجه اقتضا کند.

نمره ۶

۶ فوریه ۱۹۲۴

درباب درجه

[بعلت] خدمات صاحب منصبان اداره قشونی وزارت جنگ [ازطرف] سردار سپه يك درجه سرهنگی برای احمدخان یاور و منصب یآوری برای سلطان عبدالله خان و نایب اول برای منوچهرخان رئیس سوار یموت تفویض شده. رؤسای ادارات به اداره قشونی تبریک گفتند.

درباب انحلال نظار

هواخواهان حاج شیخ حسین برضد دسته دیگر که متابعت وزارت جنگ را داشته و مشغول گرفتن رأی بودند که سیدمحمدعلی شوشتری را به وکالت انتخاب نمایند روز سیم ماه فوریه شاهزاده مفتش مأمور کاندید وکیل استرآباد به موجب تلگراف کفیل وزارت داخله انجمن را منحل و جمعه را در نظمیہ توقیف می نمایند و سیدمحمدعلی شوشتری تعرضاً حرکت به سمت طهران نموده. اهالی عجالتاً منتظر حکومت جدید و تجدید نظار ثالث می باشند. تاجه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب ۱۴ ماه فوریه دزد تراکمه اتابائی در شهر آمده منزل را شکافته چهاررأس الاغ سرقت کرده می برند.

درباب عقیده

به عرض رفته میرزا عبدالله خان کفیل وزارت داخله ۲۷۴ به عنوان ملاقات مؤیدالدوله آمده است. در خارج معلوم شد سبب آمدن ایشان خواستگار ۲۷۵ وکالت طایفه یموت بود

۳۷۴- اصل: خارجه.

۳۷۵- کذا، بمعنی خواستار.

است. تاجه اقتضا کند.

درباب انقلابات

آشوب بزرگی برای کاندید و کالت در استرآباد ظاهر شده است. عموم اهالی بر ضد هم رفتار [می نمایند]. هر آینه از قشونی متوحش نبودند تاکنون يك حرکات وحشیانه و چندین خون ناحق تولید می شد.

نمره ۷۰

۱۳ فوریه ۱۹۲۴

درباب قتل

تراکمه گموش تپه بالتکا در محلات ساری يك قریه را تماماً غارت ۲۷۶ می کردند رعیت متعلق به سردار رفیع بوده بالتکا حمل می نمایند. سردار جلیل تلگرافاً به بندر جز خبر می دهد. چند نفر نظامی بالتکا توی دریا می روند با تراکمه تصادف نموده جنگی توی دریا می شود. دو نفر نظامی را مقتول و اموال را با کمال قدرت به گموش تپه وارد نمودند.

درباب رأی و کیل

به عرض رسانیده بود هزار و سیصد و هشتاد و يك تعرفه در شهر دادماند. پنج روز در مسجد گلشن رأی گرفته شد. اهالی قریب هزار و یکصد رأی به اسم امیرامجد و معتضدالاسلام و چند اعلان هم متفرقه می دهند. اداره قشونی چهارصد تومان به آقاها دی [از] نظر می دهد، جعبه را شکافته رأی اهالی [را] مبدل به اسم وزیر جنگ و سید محمد [علی] شوشتری می نمایند. چهارصد و پنجاه و يك رأی سردار سپه، چهارصد رأی شوشتری، صد و بیست رأی امیرامجد، پنجاه رأی معتضدالاسلام. لهذا وکیل استرآباد هم وزیر جنگ شده اند. احتمال دارد به شوشتری وا گذر نمایند.

درباب قتل

نهم ماه فوریه دو نفر سرخونکلاته [ای] و حسین آبادی از شهر مراجعت می کردند. مشرقی شهر جنب خشک رودخانه، [با] هفت نفر ترکمان تصادف [می نمایند]. حسین آبادی تسلیم شده تفنگ و مادیان را می دهد. سرخونکلاته ای تسلیم نشده او را مقتول [ساخته] تفنگ و مال او را هم می برند. خبر به شهر رسیده نعلش مقتول را به شهر آورده خاک کردند. رعیت سرخونکلاته هم تقاص کرده صبح دهم ماه مذکور جنب قریه فوجرد

دو نفر ترکمان اتابائی را مقتول [ساخته] مال و تفنگ آنها را می‌برند.

درباب روسها

اداره «ویناشترکها» برای ترقی پنبه و نداشتن مالالتجاره منحل، عودت به روسیه نمودند. اداره دیگر موسوم به «سنتاریوز» ۲۷۷ هم عمأقرب برای نداشتن مالالتجاره حرکت می‌نمایند.

درباب سرقت

شب دهم ماه مذکور تراکمه اتابائی توی شهر يك نفر آژان را تیرزده خطرناک نمی‌باشد. سه رأس گاو [و] يك رأس الاغ سرقت کرده بردند.

درباب حرکت

دهم ماه فوریه مؤیدالدوله حکمران معزول، به اتفاق میرزا عبدالله‌خان برادر عیال خود از راه شاهرود عزیمت به طهران نمودند.

درباب اسیر

ایضاً خبر رسید تراکمه جعفربائی دو نفر رعیت چالکی را با چهار مال گرفته بردند.

نمره ۸۵

۲۷ ماه فوریه ۱۹۲۴

درباب خبر

چهل روز متجاوز بود که خط خراسان و دهات به سبب تاخت و تاز تراکمه مسدود بوده به مسافری، از مالالتجاره را در الهاک و میان دشت چاپیده، دو نفر سورچی را بایک درویش به قتل رسانیده بودند. عده‌ای زوار راهم اسیر کرده به چاتلی می‌برند. من جمله عبدالحمید نام ساکن حله بوده از چاتلی فرار کرده به استرآباد آمده «وکالت» او را پذیرائی نموده وجهی به او داده روانه به طهران نمود.

درباب بجنورد

اداره قشونی استرآباد اظهار می‌دارد هزار نفر عده از مشهد وارد بجنورد می‌شوند. سردار معزز را با سه چهار نفر از خوانین مغولاً به مشهد برده و اسلحه اکراد را جمع می‌نمایند و برای ناامنی خط خراسان يك عده از قشون از سبزوار و اطراف وارد شده

عجالتاً امنی حاصل [شده]، و جمعی ۲۷۸ که برای بانك مشهد حمل شده مدتی در شاهرود بوده برای ناامنی راه شاهرود توقف داشته حرکت نموده و نوشتجات پستی هم وارد شده است. ناچه اقتضا کند.

درباب خبر

دوازده هزار بالشویک مدتی در خیوق جنگ داشته آخر الامر با رئیس طوایف خیوق صلح و قراردادی نموده دو عراده توپ هم به خان خیوق داده بالشویکها از آنجا می روند.

درباب خبر

بیست و هفتم ماه فوریه برای گرفتن راه و رفتن اموال غارتی سردار جلیل با عده [ای] از نظامیان و سوار تراکمه به خوجه نفس می روند. ترکمانها تزویر نموده سارقین با تفنگ ایستاده دفاع می نمایند. سوار و نظامیان مراجعت به شهر می نمایند. هیجده نفر نظامی که به عنوان پست در خوجه نفس می باشند سارقین آنها را محاصره کرده خبر به اداره قشونی رسیده، احمدخان نایب سرهنگ [رابا] دو عراده توپ با صد و پنجاه نفر نظامی سوار و پیاده به خوجه نفس فرستادند که نظامیان پست را استخلاص کرده بیاورند. تا چه اقتضا کند.

نمره ۹

۱۳ ماه مرچ ۱۹۲۴

درباب سارقین جعفر بانی

به عرض رفته بود تراکمه خوجه نفس چند نفر نظامی را محاصره نموده وعده [ای] قزاق با دو عراده توپ به توسط نایب منوچهر خان فرستاده اند. رفتن عده نظامی سه تراکمه متعرض نشده سه شب در آنجا توقف داشتند. اتاخان با گرفتن پولهای گزاف سارقین را مغلولاً به شهر بفرستد، ابدأ مساعدت نکرده با ولد خود می رود. بعد از سه شب از گرسنگی و شدت سرما مراجعت به شهر نمودند. یک نفر شبانی را که از مازندران باگوسفند آورد، بودند آن را هم عمداً به قتل می رسانند.

درباب خبر

دویم ماه مرچ از بار فروش مکتوباً خبر رسید که به توسط میرزا حسین نام منشی به قرب چهارصد نفر شاگرد خیاط و کفشدوز به عنوان کارگران انجمن نموده و اظهار

وادای عقیده دارند. يك مرتبه هم بلوا کرده نتیجه برای آنها حاصل نشده است.

درباب شبنامه

شب هشتم ماه مذکور از ناحیه اداره قشونی هفت عدد اوراق به خط جلاطین ۲۷۹ شبنامه در معابر الصاق شد. دو ساعت از روز گذشته نظامیها جمع نمودند و عنوانات لایحه تکذیب از سلاطین قاجاریه و انقراض سلطنت بود. در ضمن اظهاراتی از جمهوریت [شده] و اهالی را به زبان خوش منع نمود [داند]. تاچه اقتضا کند.

نمر ۱۵۵

۲۵ ماه مرچ ۱۹۲۴

درباب جمهوریت

اولاً در موضوع انتخاب و کیل بعد از گرفتن رأی در شهر سه نفر از نظار به کرد محله و بندر جز فرستاده به دستور اداره قشونی رأی به اسم وزیر جنگ بدهند. دو نفر به سمت فندرسک و کتول و دهات ملک فرستاده شد. تاکنون نظار مراجعت نکرده‌اند. از ناحیه قشونی در بندر جز محرك و به توسط آقامیرزا مهدی مجتهد با تعیین آن که قریب دو بیست نفر می‌باشند به همان حال استبداد باقی بوده و زیر بار مشروطیت نرفته، ازدحامی کرده روز شانزدهم ماه مرچ به اتفاق امیرامجد به تلگرافخانه می‌روند [تلگراف] به هیئت وزراء و مجلس نموده که عموم استرآبادی سلطنت قاجاریه را انقراض داشته ۲۸۰ خواستار جمهوریت می‌باشند و لاکن سایر علماء و اهالی باینکه از وضعیت جمهوریت مستحضر نمی‌باشند زیر بار نمی‌روند. همه‌همه زیادی محرمانه توی تبحار و ملاکین واقع شده‌است. تا چه اقتضا کند.

درباب تلگراف

ایضاً روز هیجدهم ماه مذکور تلگرافی از طرف ملت آذربایجان به عنوان علما رسیده است که ماملت از سلسله قاجاریه به واسطه رفتن به اروپا و محشور شدن با خانمهای فرنگی متنفر ۲۸۱ گردیده فقط لوای جمهوریت را سرپا کرده رفتیم و شاهها هم تعاقب ما بیائید. امضاء علماء آذربایجان.

درباب بندر جز

ایضاً خبر رسید اهالی بندر جز عموماً به امر قشونی دکا کین را بسته علم جمهوریت

۳۷۹ - (= ژلاتین).

۳۸۰ - کذا، مقصودش آنست که «منقرض می‌دانند».

۳۸۱ - اصل: منتشر.

رانصب و تلگرافات مفصلی به طهران نمودند.

نمره ۱۱۵

۲۷ ماه مرج ۱۹۲۴

درباب چپاول

شب بیست و یکم ماه مرج يك عده سوار طایفه اتابائی به قریه یساقی سه فرسخی مغربی می‌روند. چهل و هشت رأس [مال] چپاول کرده بردند.

درباب قتل

شب غره حمل مطابق ۲۲ ماه مرج يك نفر جوان بسطامی ساعت پنج از شب توی کوچه وسط شهر مقتول شده به فاصله يك ساعت دو نفر آژان رسیده مقتول را با تفنگ «ورندل» که پهلویش بوده یافتند. از قرار مذکور و تحقیقات خودکشی کرده، تفنگ را محافی حلق گذارده و گلوله از مغز سر بیرون رفته است.

درباب خبر

یموتیکی ۲۸۲ اصلاً ترکمان و مستخدم روسها بوده چند سال قبل هم به دستور روسها به جغربائی آمده بودند، خبر رسیده است کاغذی به رؤسای طوایف یموت نوشته و محرک می‌باشند که ترکمانها اظهار استقلال ترکستان را برای خود نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب تلگراف

روز اول حمل تلگراف متحدالمال برای ادارات حکومت و نظمییه رسیده است که خود را از اول، برج حمل به رسمیت معرفی نمایند تا دستور بودجه به تصویب مجلس برسد.

درباب چپاول

شب چهارم ماه مذکور يك عده از تراکمه طایفه آق صد رأس گاوهای قریه آلو کلاته را چپاول کرده بردند... ۲۸۲ تراکمه برای مذاکره جمهوریت می‌باشد.

درباب تبلیغ

چندی قبل به عرض رسانیده بود دو نفر عثمانی با چند نفر عرب به استرآباد وارد شده بودند، از طرف عثمانیها تبلیغ نموده درگموش تپه، و اهالی را تبلیغ [کرده] و

۳۸۲- کذا، در صفحات بعد یموتیکی.

۳۸۳- يك کلمه ناخوانا.

خیال دارند به آسانی مدرسه کرده باشند. تاچه اقتضا کند.

درباب چپاول

شب بیست و ششم ماه مذکور تراکمه طایفه جعفر بائی به قریه النگ چهار فرسخی مغربی رفته يك نفر شبان را به قتل رسانیده يك نفر [را] مجروح [کرده] صدو بیست رأس گاو میش را بردند.

نمره ۱۲۵

۳ ماه اپریل ۱۹۲۴

درباب خبر

بیست و هشتم ماه هرچ خبر رسید خان خیوه که حکومت خیوق بوده با روسها جنگی می کند. بالشویکها غالب و خیوه را تصرف می نمایند و خان مذکور مجروح شده فوراً خود را در ایلات چاروا می رساند. تاچه اقتضا کند.

درباب جمهوریت

غره ماه اپریل ریاست وزراء تلگرافی به توسط احمدخان سرهنگ نموده که اعلان نوشته به اهالی در معابر الصاق نمایند چون مسئله جمهوریت را در ایران علمای محترم و آقایانی که در قم بوده تصویب نکرده اند لهذا مسکوت عنه* گذارده که رفع اغتشاش داخله بشود. اهالی استرآباد از این خبر خوشحالند.

درباب خبر

موضوع یموتیسکی ۲۸۴ که از مار ترکمان و پدر روس و ساکن شاد قدم است به تصویب بالشویکها تراکمه را محرک است. اهالی گموش تپه چون عموماً کاسب و تجارتخانه دارند مایل به امنیت و آزادی خواه می باشند که شعبه تجارت را به گنبد قابوس از آنجا برای خرید تریاک و سایر اشیاء بجنورد و خط شاهرود نزدیک باشند. لکن طوایف اتابائی و داز و قان یخمز بر علیه جعفر بائی رفتار [نموده] ابدأ میل ندارند روسها نفوذی در این ترکستان داشته باشند، یا اینکه در گنبد قابوس و گموش تپه کسب و تجارت نمایند.

درباب خبر

سیم ماه اپریل خبر رسید یکی از رعایای شاهرود از قزاق طلبکار بوده توی بازار طلب خود را مطالبه نموده قزاق با هفت تیر آن شخص را به قتل می رساند.

* اصل: مسکوت الاعنه. ۳۸۴ - در قبل یموتیسکی آمده.